



بی‌جواب

ای پرنده‌های دور دست!

نقطه

نقطه

با عبورتان

نامه‌ای در آسمان نوشته‌اید

نامه‌ای پر از سؤال

نامه‌ای پر از گلایه‌های سالیان سال

اینکه: «پس چرا

چرا

چرا

زمین کثیف؟

پس چرا

آسمان

چنین کثیف؟»

ای پرنده‌های دور دست!

نقطه

نقطه

رد بالتان

مثل یک سؤال جای خالی است...

مهدیه نظری

می‌نویسم آب

می‌نویسم آب تا چشمان تو

مثل ماهی توی شعرم جا شود

تا دل ماهی نگیرد، تند و تند

می‌نویسم قطره تا دریا شود

می‌نویسم باد، طوفان می‌شود

غصه‌های سنگی‌ات را می‌برد

باز می‌آید سوار واژه‌ها

با خودش دلتنگی‌ات را می‌برد

می‌نویسم خاک شاید بشکند

باز هم گل از گل این باغچه

تا که شاید طرحی از لبخند تو

گل کند در قاب عکس تا قچه

آه اما تو نمی‌خواهی مگر

سینه‌ات شعر مرا از بر کند

می‌نویسم آتش و این شعر را

می‌گذارم تا که خاکستر کند

مهدی مردانی

صدای شب

گوش کن!

صدای شب به گوش می‌رسد

- در سکوت -

در سیاهی شبانه، می‌توان

پیچ‌پیچ درخت‌های باغ را

شنید

می‌توان صدای خواب دیدن کلاغ را شنید

شب، پر از صداست

گوش کن!

شب پُر از صدای رودها و کوه‌هاست

و صدای شب

صدایی آشناست!

جعفر ابراهیمی (شاهد)

